



عنوان اصلی: فقه روابط اجتماعی تاریخ جلسه: ۱۴۰۱/۱۲/۰۲

عنوان فرعی: ظلم/مقدمات/حسن و قبح شماره جلسه: ۱۹۰

مرکز تخصصی فقه
اشراق و
استاد آعرافی



فهرست

- مقدمه ۲
- مقدمه کلام شهید صدر ۲
- مطلب اول ۴



بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع: فقه روابط اجتماعی / ظلم

مقدمه

در جلسه قبل دو رویکردی که در نقض‌های به حسن و قبح اشعری وارد است را بیان کردیم و گفتیم نقض‌هایی که در کتب کلامی وارد شده است این است که زنجیره وجوب معرفت الله و وجوب طاعت و حرمت معصیت وابسته به حسن و قبح عقلی و در مقابل شهید صدر می‌گوید نه وابسته به آن نیست و اشعری هم می‌تواند این‌ها را اثبات کند.

شهید صدر در نقض اول می‌گوید ما بدون این که حسن و قبح عقلی و ذاتی را بپذیریم می‌توانیم بگوییم دین را دنبال می‌کنم منتها فرمایش شهید صدر مقدمه‌ای دارد در بحثی که بعد از آن پاسخ ایشان به این بحث روشن می‌شود.

مقدمه کلام شهید صدر

در اصول مشاهده کرده‌اید که بحثی مطرح است به‌عنوان احکام جبلی و عریضی و احکام عقلی. برای توضیح این‌ها باید این‌طور عرض کنیم که اموری که از شیء صادر می‌شود چند نوع است:

۱- یک نوع امور کاملاً طبیعی است که طبیعت اشیاء اقتضای صدور چیزی دارد که در این امور طبیعی فاعل ممکن است ذی‌شعور نباشد و حیوان و شاید نبات باشد. افعالی که از شیء صادر می‌شود به‌گونه‌ای که از صدور آن هیچ اختیاری ندارد و صدور آن از طبیعی و ذاتی است بدون این که هیچ وصفی از آداب دخالتی داشته باشد این از گیاهان وجود دارد تا حتی انسان. مثل گل آفتابگردان به سمت آفتاب می‌رود و طبعش این‌چنین است. در خود انسان هم هست ما در سیستم ارگانیزم بدنمان خیلی چیزها وجود دارد که خودمان خبر نداریم مثل التیام پیدا کردن بدن در بیماری. این‌ها چیزهایی است که در موجودات عالم وجود دارد در جذب و دفع و ترمیم و صدور خیلی از فاعل‌های طبیعی است. در این‌ها هیچ علم آگاهی دخالتی ندارد.

۲- نوع دوم افعال غریزی و جبلی است و احياناً گاهی فطری گفته می‌شود مربوط به موجودات ذی‌شعور است که نوعی آگاهی پنهان هم در آن وجود دارد ولی توسط مقدمات عقلی در آن وجود ندارد. بعضی می‌فرمایند خلق و هدی، یعنی هدایت خدا طبیعی است که در موجودات ذی‌شعور وجود دارد و به سمت آن حرکت می‌کنند طفل به سمت شیر می‌رود و آنچه در کمال انسان و حیوان لازم است در طبیعت آن‌ها ودیعه گذاشته شده است و در طبیعت و ذاتشان ویژگی است که آن‌ها را پیش می‌برد خیلی از امور حالت غریزی دارد. اموری که از موجود ذی‌شعور صادر می‌شود و نوعی آگاهی هم در آن وجود دارد ولی چیز عقلی بر آن حاکم نیست. غالباً این امر غریزی هم با رشد او همراه است و می‌تواند هم نباشد و منت خدا این است که کشش‌هایی که در انسان قرار داده است که با آن جلو می‌رود برای کمال و رشد شخص مفید است و هماهنگ شده است برای این که جلوی سقوط طبیعی او را بگیرد. این غریزه‌ای است که در انسان و حیوان گذاشته شده است. جبلت و فطرت و غریزه او اقتضای این را دارد که این جور عمل کند در خوردن و آشامیدن و تمتعات جنسی و دفاع از خود از نگاه فلسفی به حب ذات و کمالات ذات برمی‌گردد. این چیزی است که گفته می‌شود احکام جبلی اگر حکم بدانیم می‌گوییم احکام جبلی و اگر حکمی



ندانیم و بگوییم پشت‌صحنه این هیچ قیاسی وجود ندارد می‌گوییم رفتار غریزی. در استصحاب می‌گفتیم ابقاء ما کان علی ما کان می‌گویند این حکم یک رفتار جبلی بشر است و بشر را که به حالت خود واگذار کنیم به حالت سابقه خود ادامه می‌دهد و واقعاً هم همین‌طور است اگر این‌طور نباشد نمی‌تواند زندگی کند الا این که خلاف آن ثابت شود و این یک امر جبلی و غریزی و نهاده شده در آدمیان و حتی حیوانات است.

۳- نوع سوم احکام عقل عملی است. که در اینجا توصیف می‌شود مقدمات فعل اختیاری. در احکام عقل عملی و نوع سوم که از موجود ذی‌شعور صادر می‌شود از حیث ذی‌شعور بودن در اینجا توصیف مقدمات عقل عملی وجود دارد و آن‌ها را واسطه قرار می‌دهد.

ما به نوع اول کاری نداریم و نوع دوم و سوم مهم است نوع دوم آن است که در موجود ذی‌شعور قرار گرفته به‌طور غریزی و بر همان اساس افعال انجام می‌شود ولی اختیار و انتخاب وجود ندارد و نوع سوم عبارت است از افعال اختیاری و انتخابی که در آن مقدمات عقلی و حکمی واسطه می‌شود این یک بحث کلی است که در جاهای کلی مطرح می‌شود.

ایشان می‌فرمایند وقتی می‌گوییم برو اطاعت خدا کن یا معرفت پیدا کن اگر بگوییم حکم عقل عملی وجود ندارد و از عقل عملی آن را بیرون بردیم یک امری از نوع جبلی و غریزی داریم و احتمال عقاب بدون این که کسی احتساب سود و زیان کند یک امر غریزی در بشر است همین احتمال می‌دهد جهنمی در کار باشد باعث می‌شود که احتیاط کند احتمال می‌دهد که از اینجا بیرون می‌رود او را تیر بزنند به همین دلیل بی‌گدار به آب نمی‌زند. این قبل از این که حکم عقل عملی باشد که در قسم احکام عقلی بیاید یک حکم طبیعی است که احتمال عقاب دهد این همان لحظه دفاع است و به دلیل حب ذات است و مقابله با مهاجم است حالا می‌خواهد اشعری باشد یا معتزله یا امامی. آدمیان طبعی دارند که احتمالی هم پیدا شود که قابل‌اعتنا باشد در ورود مهاجم همان آن‌ها را متوقف و محتاط می‌کند و ایشان می‌فرمایند ما نیازی نداریم حسن و قبح عقلی به معنای امامی و عدلی اثبات کنیم ما اشعری هستیم و حسن و قبح عقلی را قبول نداریم و همه افعال حکمشان علی السوی است مگر این که درجایی خدا ورود کند از جمله وجوب طاعت و حرمت معصیت، طاعت خدا مثل معصیت خدا است و استحقاق مدح در طاعت و استحقاق ذم در معصیت ندارد و این‌ها همه علی السویه است ولی این که ما می‌گوییم طاعت خدا واجب است و معصیت خدا حرام است به دلیل این که خدا گفته است و همین شخص وقتی می‌بیند گرگ جلو می‌آید غریزه او می‌گوید فرار کن یا اگر می‌توانی مقابله کن البته این را با عقلش می‌فهمد ولی حکمی لازم نیست و غریزی است.

سؤال: نیازی به حکم نداریم؟

جواب: می‌گوید منکر حسن و قبح عقلی هم می‌تواند مطیع شود نیاز به آن نداریم. آقای صدر را ما اشعری نمی‌دانیم در مقام دفاع از آن‌ها در استدلال می‌گوید این نقض به اشعری وارد نیست زیرا این نقض وقتی وارد است که نظام اطاعت و عصیان از دین نیاز به حکم عقل مستقل عملی داشته باشد ایشان می‌گویند نیاز ندارد و می‌گویند من هم مثل همه آدم‌ها غریزه صیانت از خویش و حب ذات دارم و وقتی مواجه شوم با این که وراء این عالم خیری باشد و پشت این اعمال سود و زیانی باشد غریزه من را از معصیت باز می‌دارد و وامی‌دارد به اطاعت پس رفتن به طاعت و پرهیز از معصیت نیاز به این حکم و عقل عملی ندارد بلکه هر



انسانی با قطع نظر از این که اشعری یا امامیه یا عدلیه باشد گزینه‌ای دارد که او را از معصیت باز می‌دارد. اگر می‌گوییم وجوب طاعت و حرمت معصیت شما این را حکم عقل عملی تلقی نکنید حالا مشکلی ندارد که شما امامیه هستید و قبول دارید ولی اگر امامیه هم نباشم و قبول نداشته باشم گزینه این حرف‌ها را نمی‌شناسد. این یک امر غریزی است و مشرک و مسلم و اشعری و عدلیه نمی‌شناسد.

سؤال: گزینه جهنم را می‌فهمد؟

جواب: احتمال است، احتمال عقلایی بدهی که تیراندازی می‌شود گزینه جلوی شمارا می‌گیرد قبل از محاسبات.

سؤال: شبیه حرف آقای اصفهانی در دفع ضرر محتمل است.

جواب: بله ایشان می‌فرماید دفع ضرر محتمل یک امر جبلی است و در ذهنم می‌گشتم که شاید فرمایش ایشان در کلام آقای اصفهانی داشته باشد که همین است و درست هم هست.

سؤال: اگر غریزی بود باید تخلف از آن خیلی نادر باشد درحالی که تخلف از آن نادر نیست.

جواب: آن نادر بودن به دلیل غفلت موضوعی است نه غریزی تصور در صورت موضوع است دو عامل دارد یا احتمال نیش غولی میدانند الان کسانی هستند که می‌گویند احتمال وجود خدا یا آخرت احتمالات نیش غولی است یا این که فوران شهوات و امثال این‌ها آن‌ها غافل از این احتمال می‌کند. و الا اگر احتمال عقلایی دهد گزینه او را باز می‌دارد.

سؤال: کلاً فطرت نیست آدم احساس می‌کند عقل هم استفاده شده است.

جواب: فرق چیزهای جبلی با طبیعی همین است که در موجود ذی‌شعور است اما توسط مقدمات عقلی و انتخاب‌گری به شکل عقلی در آن نیست این که در اینجا ملاحظه کردید عملاً در بحث‌های دقیق عقلی افتادیم.

درواقع پاسخ شهید صدر به این نقض و این که ایشان می‌گویند نیازهای ماوراء بحث‌های دینی گره نخورده است به حسن و قبح ذاتی در اینجا مبنا در بحث اول این است که احکام و رفتاری که ما داریم برخی طبیعی است و برخی جبلی است و بعضی عقلی است و ایشان می‌فرماید اقدام به طاعت و اجتناب از معصیت برآمده از یک امر جبلی و غریزی است نه حکم عقلی که اگر کسی عقل عملی را قبول را نداشته باشد دستش خالی باشد همه این‌ها فطرت و گزینه علی‌السویه در همه وجود دارد و با قطع نظر از این که نظر فلسفی‌اش در حسن و قبح ذاتی باشد یا اعتباری باشد. و به همین دلیل طاعت را انجام می‌دهد.

در بررسی فرمایش ایشان چند مطلب وجود دارد که من برخی را طرح می‌کنم و ادامه جلسه آینده.

مطلب اول

سؤال در اینجا مطرح است که این افعال غریزی و جبلی آیا تفاوت ماهوی و اساسی با افعالی که از مبدأ حکم عقل عملی صادر میشود دارد یا نه؟ تا الان در اصول و مباحث دیگر اگر دقت داشته باشید می‌بینید این‌ها قسیم هم قرار می‌دهند می‌گویند احکام جبلی به گزینه برمی‌گردد و توسط مقدمات عقلی انجام نمی‌شود طفلی که شیر می‌نوشد یا شخصی که از زلزله فرار می‌کند



توسيط مقدمات عقلی در آنها نیست و غریزی عمل می کند سؤال در اینجا این است که در اینجا مقدمات عقلی چیده می شود یا نه به عبارت دیگر اینها فعل کاملاً غیر اختیاری اند یا اینکه فعل اختیاری اند اگر فعل اختیاری اند مقدمات تصور فعل و تصدیق به فایده و شوق و اراده و اختیار در آن ایجاد می شود. پس سؤال کلیدی این است که آیا افعال جبلی اختیاری اند و مبادی ارادی در آنها ایجاد می شود یا نه؟ در اینجا ممکن است کسی بگوید لا اقل این طور است که همگی شاید غیر اختیاری نباشد و برخی از اینها اختیاری اند ولی اختیاریت اینها به صورتی است که مبادی فشرده و با سرعت در آن جاری می شود پس ممکن است کسی بگوید این موارد در خیلی از موارد اختیاری است و وقتی اختیاری باشد یعنی مبادی اراده در آنها جاری می شود آن هم که از خطر فرار می کند این مبادی در ذهن او به سرعت انجام می پذیرد پس این یک سؤال بود که ظاهراً پاسخش این است که لا اقل در خیلی از موارد افعال غریزی یک پشتوانه اختیاری است و سیر مبادی ارادی است.

سؤال: ...

جواب: بله همین است.

اگر این سؤال را به این شکل جواب دهیم اولین مناقشه این است که در افعال جبلی هم اختیاریتی وجود دارد و اختیاریت هم هر جا باشد مبادی فعل اختیاری جاری می شود و تصدیق به فایده است و حکم عقل عملی وجود دارد این جوابی است که می شود به شهید صدر داد.